



اهمیت موضوع آسیب شناسی

تبیین اصلی و کامل تعالیم قرآنی و مبانی اسلامی در اصول و فروع و همه رشته های مربوط، در مسائل اعتقادی، عملی، زندگی، انسان و شناخت... در گرو رجوع به احادیث معصومان علیهم السلام و فهم آنها و استفاده از آنهاست. چنانچه از مقدمه ی کافی برمی آید، حدیث مساوی با علم دین است (۱)؛ چه این که تصور سایر علوم دینی و اسلامی مانند فقه، تفسیر، اخلاق، کلام و... بدون حدیث، بی معناست. در میان این دانشهای دینی و حدیثی، مهمترین و سودمندترین آنها فقه الحدیث است که به بررسی متن حدیث می پردازد و سایر دانشهای حدیثی به هدف کمک رسانی و خدمت به فقه الحدیث فعالیت می کنند.

حاکم نیشابوری در اهمیت فقه الحدیث و فهم آن می نویسد: شناخت فقه الحدیث، ثمره ی علوم حدیث است و شریعت بدان استوار (۲).

گاهی فهم نادرست حدیث، اثری بدتر از نشنیدن و یا اصلاً نفهمیدن حدیث دارد. نعمانی در مقدمه ی کتاب الغیبه در این زمینه چنین آورده است:

به جانم سوگند! هیچ کس، سرگردان و متحیر و مفتون نشد و از حق خارج نگشت و به پوچی و باطل نیبوست؛ مگر به سبب قلت روایت و عدم درایت و فهم کافی (از حدیث). اینان بدبختانی اند که در طلب دانش اهتمام نورزیدند و خودشان را در به چنگ آوردن و روایت از آن معادن ناب، به زحمت نینداختند، با این که اگر روایت هم بنمایند، ولی معنای آن را نفهمند به منزله ی همان کسی خواهند بود که چیزی نقل نکرده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «جایگاه شیعیانمان را نزد ما، به اندازه نقل و فهمشان از سخنان ما بشناسید.» بنابراین روایت نیازمند درایت و فهم است و «یک حدیث را بدانی بهتر از آن است که هزار حدیث روایت کنی» (۳).

هر پدیده و رویداد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، اگر به درستی از دستاوردها و کیان آن پاسداری و نگهداری نشود و با بازدارنده ها و موانع، به طور دقیق و همه سویه مبارزه نشود و آفت زدایی نگردد، به کژ راهه می افتد. پدیده فهم حدیث هم جدای از این قاعده نیست. آن هم مانند هر پدیده و رویداد دیگری، باید آسیب شناسی شود. این آسیب شناسی از آن رو مهم است که می تواند چراغ راه امروز ما باشد.

تحقق فهم حدیث مانند هر پدیده ی دیگری نیاز دارد تا شرایط موجود و موانع مفقود باشد؛ یعنی حدیث پژوه برای فهم درست حدیث باید شرایطی را به وجود آورد و موانع خنثاگر آن شرایط را برطرف سازد. به دیگر سخن، هر حدیث شناس و دین پژوهی که درصدد بهره گیری از آموزه های بلند پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برمی آید، برای استفاده ی درست و صحیح از حدیث، دو مرحله اساسی را فراوری خود می بیند: الف. روش شناسی فهم احادیث؛ ب. آسیب شناسی فهم احادیث.

در مرحله نخست توجه حدیث پژوه به فراهم ساختن شرایط ایجابی است که در فهم عمیق و درست حدیث تأثیر دارد و در مرحله دوم می کوشد تا آفات، مشکلات و موانع فهم حدیث را شناسایی کند، برای آنها چاره ای اندیشد و اثر آنها را در کشف مراد و مقصود معصوم خنثی سازد. این مرحله، در دستیابی به روایات صحیح و سره از ناسره و کنار گذاشتن روایات ساختگی و بی اساس، نقش به سزایی دارد.



درباره ی اهمیت آسیب شناسی فهم حدیث بسیار می توان سخن گفت، اما در این جا بهتر است از زبان خود معصومان علیهم السلام، که نخستین هشداردهندگان به این مهم بوده اند، بهره بگیریم.

۱. حضرت علی علیه السلام در خطبه ای مخاطبان را از آسیبها زنهار می دهد و می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ! اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُفْتُوا النَّاسَ بِمَا لَا تَعْمَلُونَ؛ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ قَوْلًا آَلَ مِنْهُ إِلَى غَيْرِهِ وَقَالَ قَوْلًا وَضَعَ عَلَى غَيْرِ مَوْضِعِهِ وَكَذَبَ عَلَيْهِ...» (۴)؛ ای مردم! از خدا پروا کنید و به آنچه نمی دانید، فتوا ندهید؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله سخنی فرموده که از معنای ظاهری آن به معنای دیگری عدول نموده و مقصود دیگری را اراده کرده است، و [همچنان که] سخنی را نیز گفته که [از سوی دیگران] در غیر جای خود نهاده شده و بر او دروغ بسته شده است.

در این هنگام که حضرت امیر علیه السلام پرده از آسیبهای احادیث پیامبر خدا علیه السلام، مانند سوءفهم، تأویلات نادرست و جعل و وضع حدیث برداشت، دو نفر از مستمعان به نام علقمه و عبیده ی سلمانی از جا برخاستند و پرسیدند: ای امیرمؤمنان! نسبت به احادیث اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله چه کنیم و وظیفه چیست؟ حضرت علیه السلام فرمودند: درباره ی این احادیث از عالمان آل محمد علیهم السلام بپرسید.

۲. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «خَبَرْتُ دَرِيهَ خَيْرٍ مِنْ عَشْرَةِ تَرْوِيهِ. إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيْقَةً وَلِكُلِّ صَوَابٍ نُوْرًا ثَرُّ قَالَ: إِنَّا وَاللَّهِ لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مِنْ شِيعَتِنَا فَفِيهَا حَتَّى يُلْحَنَ لَهُ فَيَعْرِفَ اللَّحْنَ» (۵)؛ اگر معنای یک روایت را بدانی، بهتر از ده روایت است که ندانسته برای مردم نقل کنی. هر حقی حقیقتی و هر راستی نوری دارد. به خدا قسم! ما کسی از شیعیان خود را فقیه نمی دانیم جز این که با وی به رمز و اشاره سخن بگوییم و او مقصود ما را بفهمد.

۳. از ابراهیم کرخی از امام صادق علیه السلام رسیده که آن حضرت فرموده است: «حَدِيثُ تَدْرِيهٍ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ حَدِيثٍ تَرْوِيهِ وَلَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ فَفِيهَا حَتَّى يَعْرِفَ مَعَارِيضَ كَلَامِنَا؛ وَإِنَّ الْكَلِمَةَ مِنْ كَلَامِنَا لَتَنْصَرِفُ عَلَى سَبْعِينَ وَجْهًا لَنَا مِنْ جَمِيعِهَا الْمَخْرَجِ» (۶)؛ یک حدیث و سخنی (از ما آل محمد علیهم السلام) را به خوبی بفهمی و عمق علمی آن را به درستی درک کنی، بهتر از آن است که هزار حدیث را (ندانسته و آگاه نشده) بازگویی. کسی از شما پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام به مقام فقاها نائل نمی شود مگر آن که سخنان چند پهلوی و تقیه آمیز ما را بشناسد (به جهات گوناگون احادیث متوجه باشد و به خوبی دیدگاه های ائمه علیهم السلام را درک نماید). به راستی سخنی از سخنان ما به هفتاد معنا باز می گردد (دارای معانی بسیار است) و از همه ی آنها برای ما جای بیرون شُدی است (در بیان آن معانی باز نمی مانیم و برای همه ی آنها پاسخ داریم).

روانشاد علامه مجلسی می فرماید: شاید مقصود اخباری باشد که از روی تقیه (پرهیز از بیان حق) و توریه (چیزی را پنهان نمودن و گونه ای دیگر وانمودن) از ایشان صادر شده و نیز احکام و فرمانهایی که از آنان برای فرد خاصی رسیده است، و دلیل آن خصوصیتی است که در غیر او جاری نمی گردد. از این رو، چه بسا گمان رود میان اخبار ایشان تعارض و ناسازگاری است. (۷)



بر اساس دو حدیث فوق، در اهمیت آسیب شناسی فهم حدیث همین اندازه بس که از نظر اهل بیت علیهم السلام تا فردی از شیعیان، آسیب شناس نباشد، او را فقیه و دین شناس نمی توان شمرد.

امام عسکری علیه السلام زیان و ضرر آنانی را که به حدیث آسیب رسانده و آن را دستخوش تحریف، وضع و جعل و کج فهمیهای خود ساخته اند، از ضرر لشکر یزید بر امام حسین علیه السلام و یارانش بیشتر دانسته و فرموده است: چه این که اینان روح و مال افراد را به تاراج می برند (۸).

احادیثی را در کتابهای شیعه و سایر مذاهب اسلامی می توان جست که متضمن انواع اشتباهات و اموری است که بطلان آن یقینی است. در این باره شیخ مفید (۴۱۳ق) در تصحیح الاعتقاد فرموده است: «و جمله الامر انه ليس كل حدیث غزی الی الصادقین علیهم السلام حقاً علیهم، و قد اُصیف الیهم ما لیس بحقّ عنهم و من لا معرفة له لا یفرق بین الحق و الباطل» (۹)؛ هر حدیث منسوب به امامان علیهم السلام صحیح نیست؛ چه احادیثی به دروغ به آنان نسبت داده شده است و فردی که معرفت کافی ندارد، درست و نادرست را تمیز نمی دهد.

سید مرتضی، علم الهدی، می گوید:

إِعلم أنه لا یجب الإقرار بما تضمنه الروایات، فإن الحدیث المروی فی کتب الشیعة و کتب جمیع مخالفینا یتضمن ضروب الخطأ و صنوف الباطل: من محال لا یجوز أن یتصور، و من باطل قد دلّ الدلیل علی بطلانه و فسادیه، کالتشبیه و الجبر و القول بالصفات القديمة... و لهذا وجب نقد الحدیث بعرضه علی العقول، فإذا سلم علیها عرض علی الأدلة الصحیحة، کالقرآن و ما فی معناه (۱۰)؛ بدان که پذیرش محتوای همه ی روایات واجب و ضروری نیست؛ زیرا احادیثی که در کتابهای شیعه و کتابهای سایر مذاهب اسلامی نقل شده، متضمن انواع اشتباهات و امور باطلی است؛ مانند چیزهای غیرممکنی که ناروا و تصورناشدنی بوده و امور باطلی که دلیل قطعی بر بطلان و فسادش هست... از این رو نقد حدیث با عرضه ی آن بر عقل و یا دلیل صحیح نقلی مانند قرآن، لازم و ضروری است. میرداماد در الرواشح می نویسد: در کتاب تهذیب و استبصار مشکلاتی متنی و سندی هست که ضرورت دقت و تأمل در آنها را می طلبد. (۱۱)

یکی از معاصران می نویسد:

به پندار من آن جنایت که امویان از خلط و جعل احادیث کرده اند، از فاجعه ی عظیم عاشورا و قتل عام حرّه و هتک حرم رسول صلی الله علیه و آله، هول انگیزتر بوده که اکنون پس از طی قرون، هنوز عواقب این جنایت هست و بلیه ی عظمای اسلام است و آن طعن که فرنگان بر اسلام می زنند، بیشتر به دستاویز همان روایات افسانه وش است و من در آن قصّه غرائب که در کتب حدیث هست و به موجب آن پیمبر روزی یا ساعتی از خطّ خویش بگردید و به نفوذ بتان تسلیم شد، انگشت حدیث سازان اموی را می بینم که کینه های بدر و احد و احزاب را به میدان حدیث آورده بودند و از خاطره این بنده ی منتخب خدا که با دعوت خویش اقتصاد و سیاست مکه را به هم ریخته و قدرتهای جاهلیت را به گور سپرده و در راه این هدف، گروهی از معاریف قریش و بنی امیه را به هلاکت داده بود، انتقام می کشیدند و دین



وی را با احادیث مجعول مشوئش می خواستند و در مدت یک قرن، انبوهی افسانه و وهم و غرض، به هم انباشتند که در هر مجموعه حدیث هر قدر هم در انتخاب آن دقت کرده باشند، چیزی از آن هست. (۱۲)

بایستگی بحث در این موضوع با در نظر گرفتن موارد ذیل روشن می گردد:

الف. با توجه به وجود آسیبها در حدیث، بررسی قانونمند آنها برای پرهیز از افراط و تفریطها امری ضروری است، چه این که ارزش و اهمیت هر چیزی به اهمیت متعلق آن است. اهمیت حدیث پژوهی به اهمیت سنت نبوی و اهل بیت علیهم السلام به عنوان دومین مصدر تشریح بعد از قرآن وابسته است.

ب. آسیب شناسی فهم حدیث در پیشگیری از آسیبها و درمان آن سودمند است.

ج. همان طور که وجین کردن برای رشد یک مزرعه است، دفع موانع و آفات فهم حدیث نیز به هدف فهم صحیح و برداشتهای نو از حدیث است.

د. تاکنون آسیبهای فهم حدیث در پژوهشی ضابطه مند گردآوری نشده و یا به درستی تبیین نگردیده است؛ با این که احادیث آسیب دیده و معلول، همیشه از اسباب پیدایش نحله ها و فرقه های مذهبی بوده و امروزه یکی از شبهات مستشرقان علیه دین مبین اسلام، همین احادیث معلول و آفات وارد بر آن است. (۱۳) وجود این آسیب ها و طعنها، ضرورت نقد، ارزیابی و آسیب شناسی روایات را به صورت میدانی آشکار می سازد.

ه. آفت هر چیز، عامل مزاحم است و همیشه، تأثیر عامل مزاحم، بیشتر از عامل مُعدّ است، مثل اینکه کسی غذاهای مفید و مقوی مصرف کند؛ اما از آن طرف به طور منظم سمّ یا میکروبی را وارد بدن نماید. بدیهی است که غذاها اثری نخواهد داشت. در مسائل معنوی نیز اگر انسان عبادات زیادی انجام دهد، اما مرتباً میکروب گناه را در کالبد روح خود وارد کند، اثر عباداتش خنثی می شود. ولی اگر آینه قلب خود را با گناه تیره نکند، فطرت الهیش او را به رشد و کمال هدایت می نماید. پس ترک گناه اهم از فعل عبادت است و لذا شیطان بیشتر انسان را به گناه وسوسه می کند تا ترک عبادت؛ زیرا وقتی گناه بر آدمی سیطره پیدا کرد، عبادات او موجب تقرب وی نخواهد شد. (۱۴)

و. از آن جا که سخنان معصومان علیهم السلام برگرفته از سرچشمه وحی است، همانند قرآن امکان اختلاف و تعارض واقعی در آن محال است؛ «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (۱۵)؛ آیا در قرآن نمی اندیشند؟ که اگر از جانب غیر خدا بود، به راستی در آن اختلاف بسیار می یافتند. لکن واقعیت این است که در میان احادیث مدوّن در کتب حدیثی اختلاف و تعارض رخ نموده است. از این رو، شناخت آسیبها و آفات وارد بر احادیث برای شناسایی حجت از لاجت امری ضروری است.

ز. بسیاری از مستشرقان و حتی برخی از مسلمانان به پاره ای از احادیث خورده می گیرند (۱۶) و ارزیابی سندی هم تنها در بخشی از موارد کارساز است؛ چه پر واضح است، تمام موارد نادرست از راه نقد سند قابل شناسایی نیست. بحث و بررسی آسیبهای وارد بر حدیث می تواند ما را در پاسخگویی به شبهات آنان یاری رساند.

ح. به طور خلاصه، می توان هدف اصلی و نهایی که از بررسی آسیبها دنبال می شود، تحصیل ملاک برای تشخیص روایت صحیح از سقیم، درست از نادرست دانست تا اینکه احادیث آسیب دیده و تغییر یافته شناسایی شده و کنار نهاده شوند.



به دیگر سخن موضوع آسیب شناسی فهم حدیث را از دو منظر می توان به بحث نهاد: از نگاهی تطبیقی و معاینه ی بالینی که دست به آزمایشهایی زده تا دیده شود که آیا با فهمهای آسیب دیده رو به رو هستیم و نقاط آسیب دیده ی آن کجاست تا درصددِ معالجه و درمان آن برآییم. دوم از نظر پژوهشی بنیادی و با بحث نظری و عملی در این باره تا راهکارها و راهبردهایی به دست آید که به وسیله آنها در مواقع لزوم، احادیث آسیب دیده را بشناسیم. فایده ی این کار این است که با شناخت عوامل آسیب رسان حدیث، می توانیم با برنامه ریزی درست، آمادگی دفاع و برخورد با آن عوامل را فراهم نماییم، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «يَحْمِلُ هَذَا الدِّينَ فِي كُلِّ قَرْنٍ عُدُولٌ يَنْفُونَ عَنْهُ تَأْوِيلَ الْمُبْطِلِينَ وَتَحْرِيفَ الْغَالِينَ وَانْتِحَالَ الْجَاهِلِينَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ خَبَثَ الْحَدِيدِ» (۱۷)؛ بار این دین را در هر دوره ای، عادلانی چند بر دوش می کشند؛ حاملانی که به سان زدودن زنگار از آهن زنگ زده، دین را از تأویلها و توجیه های ناروای ناحقان و تحریف کج اندیشان گزافه گو، و استقبال و پذیرش ناآگاهان، می زدایند؛ به همان گونه که کوره، پلیدی (و ناخالصی) آهن را از آن دور می کند.

پی نوشتها:

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۸: «و قلت: إنك تحب أن يكون عندك كتاب كاف يجمع [فيه] من جميع فنون علم الدين، ما يكتفي به المتعلم، و يرجع إليه المسترشد، و يأخذ منه من يريد علم الدين و العمل به بالأثار الصحيحة عن الصادقين عليهم السلام».
۲. حاکم نیشابوری، معرفه علوم الحدیث، تحقیق لجنة إحياء التراث العربی فی دارالآفاق الجدیدة و تصحیح سید معظم حسین، ص ۶۳: «النوع العشرون من هذا العلم... معرفه فقه الحدیث إذ همو ثمره هذه العلوم و به قوام الشریعه».
۳. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۲.
۴. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۱۳، باب ۱۶: «... فَقَامَ إِلَيْهِ عَقَمَةٌ وَعَبِيدَةُ السَّامَانِيُّ فَقَالَا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَمَا نَصْنَعُ بِمَا قَدْ خَبَرْنَا فِي هَذَا الصُّحُفِ عَنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: سَلَا عَنْ ذَلِكَ عُلَمَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَأَنَّهُ يُعْنِي نَفْسَهُ».
۵. همان، ج ۲، ص ۲۰۸، ب ۲۶ و ج ۵۱، ص ۱۱۲.
۶. محمد بن علی قمی (شیخ صدوق)، معانی الأخبار، ص ۲؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۸۴.
۷. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۸۴: «لعل المراد ما يصدر عنهم تقيَةً و توريَةً و الأحكام التي تصدر عنهم لخصوص شخص لخصوصية لا تجرى في غيره فيتوهم لذلك تناف بين اخبارهم».
۸. امام عسکری علیه السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص ۳۰۰؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۸؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۸۸، ب ۱۴: «إِنَّمَا كَثُرَ التَّخْلِيْطُ فِيْمَا يُحْتَمَلُ عَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ لِذَلِكَ لِأَنَّ الْفَسَقَةَ يَتَحَمَّلُونَ عَنَّا فَيَحَرِّفُونَهُ بِأَسْرِهِ بِجَهْلِهِمْ وَيَضْعُونَ الْأَشْيَاءَ عَلَى غَيْرِ مَوَاضِعِهَا وَ



وَجُوهَهَا لَقَلَّةٌ مَعْرِفَتِهِمْ وَآخَرُونَ يَتَعَمَّدُونَ الْكَذِبَ عَلَيْنَا... وَهُوَ أَضْرَعُ عَلَى ضَعْفَاءِ شِيعَتِنَا مِنْ جَيْشِ يَزِيدَ عَلَى الْحُسَيْنِ
بن علی علیه السلام و أصحابیه فأنهم یسألونهم الأرواح والأموال».

۹. محمد بن محمد عکبری (شیخ مفید)، تصحیح الاعتقاد، مصنفات الشیخ المفید، ج ۵، ص ۱۴۷.
۱۰. سید مرتضی علم الهدی، رسائل الشریف المرتضی، جوابات المسائل الطرابلسیات الثالثة، مسألة ۱۳، ج ۱، صص ۴۰۹-۴۱۰؛ کاظم مدیر شانہ چی، علم الحدیث، ص ۹۳.
۱۱. محمدباقر میرداماد، الرواشح السماویہ، ص ۱۸۵.
۱۲. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله، ص ۱۳۳، مقدمه.
۱۳. عبدالله محمد الامین النعیم، الاستشراق فی السیره النبویة، ص ۱۶۲.
۱۴. حضرت امیر علیه السلام در پاسخ به این سؤال که واجب چیست و واجب تر کدام است؟ فرمود: واجب اطاعت خدا است و واجب تر ترک گناهان است. «ما الواجب وما الأوجب؟... أما الواجب فطاعة الله تعالى، وأما الأوجب فترك الذنوب». علی مشکینی، تحریر المواعظ العدیة، ص ۳۴۰.

۱۵. نساء/۸۲.

۱۶. محمدلقمان سلفی، اهتمام المحدثین بنقد الحدیث، سنداً و متنأ و دحض مزاعم المستشرقین و أتباعهم، صص ۴۶۹-۴۷۴ و ۴۸۴؛ محمد بن محمد أبوشهبه، دفاع عن السنة ورد شبه المستشرقین و الكتاب المعاصرین و بیان الشبه الواردة على السنة قديماً و حديثاً، همراه با: الرد على من ينكر حجیة السنة، از عبدالغنی عبدالخالق، ص ۳۱؛ محمد بهاءالدين، المستشرقون و الحدیث النبوی، ص ۲۵۲.
۱۷. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، تحقیق میرداماد الأسترابادی و سیدمهدی رجایی، ج ۱، ص ۱۰، ح ۵؛ محمدبن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۵۰؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۲.

منبع : دلبری، سیدعلی (۱۳۹۱)، آسیب شناسی فهم حدیث، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، معاونت پژوهشی، دفتر پژوهش، چاپ اول